

مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری شهروندمدار

تطبیق هنجارهای جامع بیان گر شهروندمداری، با شاخصه‌های کیفی طراحی شهری*

فردین حیدری**

کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

مجید زارعی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۱

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۷/۱۲/۲۲

چکیده | براساس ماهیت میان‌رشته‌ای طراحی شهری و بحث‌های نوین مربوط به آن، امروزه، لزوم توجه به مسائلی همچون مطالبه حق به شهر، شهروندمداری و عدالت شهری بیش‌ازپیش مطرح شده است. حق به شهر، مسئله‌ای با ماهیت اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که با تعریف مجدد مفهوم حق شهروندی، مجموعه حقوقی را برای شهروندمدارتر کردن بستر زندگی شهری، به‌صورت شفاف و عادلانه مطالبه می‌کند. در این میان نقش فرآیند طراحی شهری در شکل‌دهی به محیط زندگی شهروندان، حائز اهمیت است و بنابراین با تأکید بر ماهیت میان‌رشته‌ای آن، مفهوم حق به شهر می‌تواند در سکونتگاه‌های شهری محقق شود. در راستای همین مسئله، این مقاله سعی دارد تا با اتخاذ پیش‌زمینه‌ای انسان‌مدارانه و با کنکاش در مفهوم حق به شهر، ارتباطی معنادار بین نظریه و عمل در طراحی شهری فراهم کند تا از نقش پررنگ مفاهیم اجتماعی، در کنار کیفیت‌های محیطی، برای توسعه کیفیت فضاهای شهری عمومی استفاده شود. بدین سبب، ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای مربوط به حوزه‌های حق به شهر و عدالت شهری، هنجارهای جامع شهروندمداری استخراج شده است. سپس به‌واسطه روش‌های مقایسه‌ای، تحلیل محتوا، توصیفی-تحلیلی و تطبیق هنجارهای جامع شهروندمداری با شاخصه‌های کیفی مطرح‌شده توسط متخصصین طراحی شهری، سعی شده است تا یک چارچوب نظری متشکل از شاخصه‌های کیفی مؤثر در بروز طراحی شهری شهروندمدار، در دو حوزه فرآیند و تولید محصول طراحی شهری فراهم شود.

واژگان کلیدی | حق به شهر، شهروندمداری، طراحی شهری شهروندمدار، شاخصه‌های کیفی، عدالت شهری.

مقدمه | با توجه به جهت‌گیری‌های نوین در طراحی شهری، امروزه مسئله توجه به مفهوم شهروندمداری به‌عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای در طراحی شهری و به‌مثابه آن طراحی فضاهای شهری شهروندمدار و دموکراتیک، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. این‌گونه به نظر می‌رسد که در کشور ما، تنها با تکیه بر طرح‌های شهری که حداقل توجه به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان را دارند، نسبت به ایجاد فضاهای عمومی در شهر اقدام شده است. امروزه به جای اینکه بخش عمده‌ای از زندگی روزمره شهروندان ما در حوزه فضای عمومی شهری سپری شود، در کنج ساختمان‌های بلندمرتبه و حوزه خصوصی

و نیمه‌خصوصی/نیمه‌عمومی می‌گذرد. علاوه بر این مسئله، در فرآیند شکل‌گیری طرح‌ها و ساخت فضاهای عمومی شهری، شهروندان مشارکت کمی دارند و در فرآیند طراحی شهری به میزان کمی در نظر گرفته می‌شوند. درواقع، امروزه فقدان دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی در کنار نگاه محیطی در طراحی شهری بیش‌ازپیش حس می‌شود.

گمان می‌رود که در وضع کنونی شهرها، مؤلفه‌های رویه‌ای و محتوایی فرآیند طراحی شهری و به دنبال آن فضاهای شهری، از جنبه‌های احساسی و عاطفی زندگی شهروندان پشتیبانی نمی‌کنند. فضاهایی خشک و فاقد جذابیت که استفاده‌کنندگان به حضور طولانی‌مدت در آن ترغیب نمی‌شوند و طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان و سالم‌خوردگان را نادیده می‌گیرند. بهره‌مندی از

** نویسنده مسئول : f.heidari@edu.ikiu.ac.ir

شماره تماس : ۰۲۶-۳۶۵۰۶۳۷۸

حوزه‌های مفهوم حق شهروندی، حق به شهر، عدالت شهری و کیفیت‌های طراحی شهری از روش بررسی اسناد کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین جهت رسیدن به چارچوب نظری و نتایج مقاله از جمله هنجارهای شهروندمداری و شاخصه‌های کیفی طراحی شهری شهروندمدار، از روش‌های توصیفی-تحلیلی، تحلیل محتوا و مقایسه‌ای بهره گرفته شده است.

مفهوم حق شهروندی

تعریف مفهوم شهروند و حق شهروندی نسبت به ایدئولوژی‌های گوناگون و روند تاریخی، متفاوت و همواره در حال تغییر بوده است. از تعریف لیبرال دموکراسی گرفته تا توصیف تئوری انتقادی از شهروند، این مسئله همواره مورد بحث و تکمیل و اصلاح است. در وسیع‌ترین معنی، مفهوم شهروندی حقوق و وظایف و عضویت در یک اجتماع سیاسی را شامل می‌شود (Purcell, 2003). بسیاری از فلاسفه، مفهوم شهروندی را به عنوان یک وظیفه مطرح می‌کنند (Kant, 1991). به طور کلی امروزه تعریف مفهوم شهروندی و اعطای حقوق گوناگون مدنی، اجتماعی و سیاسی به شهروندان، بر پایه‌انگاره عضویت در دولت-ملت متکی به نظام لیبرال و به طور کلی کاپیتالیسم، مورد پرسش قرار گرفته و در کنار این انگاره، مفهوم شهروندی بر اساس نظریاتی نوین در حال بازتعریف شدن است. این نظریات، مفهوم شهروندی را در مقیاس شهری و با پیش‌فرض عضویت در باهمستان‌های شهری در نظر می‌گیرند (MirafTab, 2012; Holston & Appadurai, 1996, Purcell, 2003; Plyushteva, 2009). جدول ۱، مبنای تعریف مفهوم شهروندی بر اساس نظریات معاصر مشخص شده است.

فضا، نیازمند توجه به مسائلی از جمله امنیت و همه‌شمولی است تا به کمک آنها، زمینه‌های جهت حضور اقشار گوناگون شهری فراهم شود؛ اما در گذشته فضاهای شهری ما به گونه‌ای دیگر ابراز وجود می‌کردند؛ سرزندگی این فضاها، نتیجه حضور گسترده شهروندان و پویایی و طراوت آنها ناشی از پوشش بخش گسترده‌ای از نیازهای استفاده‌کنندگان بود. به نظر می‌رسد که امروزه حرفه طراحی شهری در کشورمان، به دلیل انحصارطلبی‌ها، طراحی شهر مختص یک یا چند گروه خاص، فقدان عرصه‌ای برای مشارکت و ابراز عقیده استفاده‌کنندگان فضا، عدم توجه به همه اقشار و گروه‌های موجود در شهر، بی‌توجهی به مفهوم عمیق واژه شهروند و در نهایت عدم انسان‌مداری، با مشکلات متعددی روبه‌رو است. در واقع مفهوم عمیق واژه شهروند با در نظر گرفتن حقوق آنها نسبت به محل زندگی‌شان تعریف می‌شود. برای در نظر گرفتن این حقوق، باید مفهوم شهروندی بر پایه تئوری‌هایی نظیر تئوری حق به شهر و همچنین مفهوم عدالت شهری بازتعریف شود. حال این سؤالات مطرح می‌شود که چه ارتباطی بین تئوری حق به شهر و مفهوم عدالت شهری با بروز هنجارهای شهروندمدارانه وجود دارد؟ و کدام کیفیت‌های طراحی شهری می‌توانند در نزدیک شدن به هنجارهای شهروندمدارانه تأثیرگذار باشند؟ اهمیت موضوع این مقاله نیز در تأکید آن بر جنبه‌های اجتماعی و انسانی طراحی شهری، کنکاش در تئوری‌های نوین و تبیین چارچوبی نظری برای اقدامات شهروندمدارانه آن است.

روش و رویکرد

ماهیت روش تحقیق مقاله حاضر کیفی و نوع آن ترکیبی از روش‌های توصیفی-تحلیلی، تحلیل محتوا و مقایسه‌ای است. برای شفاف نمودن روند و رویکرد مقاله باید گفت که جهت کنکاش و جمع‌آوری اطلاعات در حوزه مبانی نظری

جدول ۱: مفهوم شهروندی بر مبنای نظریات معاصر. مأخذ: نگارندگان.

منابع	مقیاس	مبنای تعریف مفهوم شهروندی	نظریه‌ها
(MirafTab, 2012),			
(Holston & Appadurai, 1996)	ملی	عضویت سیاسی در دولت-ملت	لیبرالیسم
(Lefebvre, 1996; 2002)	محلی و شهری	سکونت و حضور در شهر و عضویت در باهمستان‌های شهری	حق به شهر
(Purcell, 2002; 2003 Plyushteva, 2009)			
(Purcell, 2002; 2003 Plyushteva, 2009)	محلی و شهری	سکونت و حضور در شهر جهانی و عضویت در باهمستان‌های شهری	حق به شهر جهانی

مفهوم حق به شهر

فرآیند فضایی، یک مطالبه قانونی است و به صورت مجموعه‌ای از حقوق جمعی مطرح می‌شود. نه فقط حق به اطلاع یافتن و شفافیت در حکمروایی، نه فقط حق دسترسی به خدمات، بلکه حق به کلیتی که در آن هر بخش، جزئی از یک مجموعه منفرد است. مجموعه‌ای که در آن حق مشخصی مطالبه می‌شود (Ibid). به نقل از ایواماتو، حق به شهر یک مفهوم است که آزادی کامل برای همه شهروندان و ساکنان شهر، جهت دستیابی به مزیت‌های حیات و مشارکت در تکامل آن قائل است؛ نگرشی مبتنی بر حقوق که دستاوردهای توسعه را توزیع و مشارکت در توسعه را تضمین می‌کند (Iwamoto, 2008). در جدول ۲ مجموعه‌ای کلی از حقوق شهروندان به شهر از منظر صاحب‌نظران این حوزه، بازنمایی شده است.

حق به شهر و عدالت شهری

آیریس یانگ^۱، محقق حوزه شهروندی، در نظریاتش به ارتباط میان حقوق و عدالت می‌پردازد. او با ساختارزادایی فرضیه وحدت حقوق و عدالت، معتقد است که سیاست‌های رفاهی فردگرایانه دولتی متکی بر حقوق فردی، در زمینه عدالت گسترتری کارساز نیست و باید فرم‌های حقوقی مبتنی بر گروه‌های اجتماعی خوداتکا جایگزین آن شود

هانری لوفور^۱ نظریه‌پرداز اصلی مفهوم حق به شهر برخلاف بسیاری از ایدئولوژی‌های مرتبط با مفهوم شهروندی، شهروند رسمی را تنها به عنوان عضوی از یک اجتماع سیاسی در نظر نمی‌گرفت. نظریات لوفور را مرتبط با تئوری شهری انتقادی می‌دانند. این تئوری به‌طور غالب، با فرم‌های دانش شهری بازارمحور، فن‌سالارانه، تخصص‌گرا و فرم‌های نئولیبرال علوم سیاسی در تضاد است. هدف نهایی از تئوری شهری انتقادی، به اجرا درآوردن مطالبه حق به شهر است و در این راه فقط به دنبال نشان دادن نکات منفی نیست، بلکه به صورت انتقادی، امکان تغییر در بخش‌های اشتباهی که به اصلاح نیاز دارند را مشخص می‌کند (Brenner et al., 2012). از دیگر نظریه‌پردازان شاخص این حوزه، می‌توان به دیوید هاروی^۲، دون میشل^۳، آلیسون براون^۴، آنالی کریستیانسن^۵ و مارک پورسل^۶ اشاره کرد. لازم به ذکر است که دیدگاه این مقاله به دنبال پیروی از منش سیاسی نظریه‌پردازان این حوزه، همچون ایدئولوژی مارکسیسم نیست، بلکه سعی بر این است تا مفاهیم مرتبط با مسئله شهروندمداری در طراحی شهری، از این نظریات اقتباس شود.

به‌زعم مارکوزه، برنر و مهیر، حق به شهر، مطالبه‌ای اخلاقی بر پایه اصول بنیادین عدالت شهری است که علاوه بر یک

جدول ۲: حقوق شهروندان به شهر از منظر نظریه‌پردازان حوزه تئوری حق به شهر. مأخذ: نگارندگان.

منابع	حقوق شهروندان به شهر از منظر نظریه‌پردازان	نظریه‌پردازان
(Lefebvre, 1996; 2002) (Brenner, Marcuse & Mayer, 2012) (Purcell, 2002; 2003)	حق به اختصاص دادن فضای شهری و استفاده از آن/ حق به مشارکت ^۱ در تولید و بازتولید فضای شهری/ حق به سکونت شهری ^۲ / حق به اطلاع یافتن، یادگیری و آموزش/ حق به استفاده از خدمات گوناگون شهری/ حق به گذران اوقات فراغت/ حق به کار/ حق به سلامت/ حق به استفاده از مکان‌ها برای ملاقات، تعامل و میادله/ حق به شفافیت در حکمروایی شهری.	هانری لوفور
(هاروی و مریفیلد، ۱۳۹۲) (Harvey, 2003)	حق به حیات شهری برای همه شهروندان/ حق به مشارکت شهروندی/ حق به هدایت برابر/ حق به استفاده از فضاهای عمومی و خصوصی شهری	دیوید هاروی
(Mitchel, 2003)	حق به انجام فعالیت‌های خلاقانه/ حق به اطلاع یافتن و آگاه شدن/ حق به نمادسازی، خیال‌پردازی و تفریح کردن/ حق به آزادی/ حق به فردیت در عین اجتماعی شدن/ حق به زیستن و سکونت داشتن	دون میشل
(Brown & Kristiansen, 2009)	حق به تغییر و دوباره‌سازی شهری/ حق به تعریف نیازها و احتیاجات شهروندی/ حق به دسترسی برابر به امتیازات شهری/ حق به مشمولیت اجتماعی/ حق به تجدید ارتباطات اجتماعی	آلیسون براون و آنالی کریستیانسن
(Purcell, 2003)	حق به اختصاص دادن فضای شهری جهانی و استفاده از آن/ حق به مشارکت در تولید و بازتولید فضای شهری جهانی/ حق به مشمولیت اجتماعی در شهر جهانی/ حق به استفاده از خدمات شهری برای همه کاربران شهر جهانی	مارک پورسل

با روابط فضایی بیان می‌کنند. در جدول ۳ به نکات کلیدی مطرح‌شده توسط نظریه‌پردازان حوزه عدالت پرداخته‌شده است.

یافته‌ها؛ ارائه چارچوب نظری جامع برای طراحی شهری شهروندمدار

در این بخش با توجه به مفاهیم ذکرشده و اتکا بر اصول نظری تبیین‌کننده حق به شهر و عدالت شهری، هنجارهایی برای ملموس ساختن امر شهروندمداری به‌صورت مجموعه‌ای از حقوق بیان می‌شود. در ذیل، این هنجارها به‌صورت جامع جمع‌آوری شده، گسترش‌یافته و پیشنهاد می‌شود. لازم به ذکر است که این هنجارها حاصل تطبیق و اجماع نکات مطرح‌شده در دو حوزه تئوری حق به شهر و مفهوم عدالت شهری است:

- حق به مشمولیت، دسترسی، برابری، آزادی و استفاده از مکان‌های شهری؛
- حق به آسایش، امنیت، سلامت و محیط انسانی؛

(Miraftab, 2012). حق به شهر گونه‌ای از این فرم‌های جمعی است. این مفهوم در نهایت به دنبال مطالبه عدالت است؛ اما بیش از این که به مطالبه عدالت فردی بپردازد، مطالبه عدالت جمعی و اجتماعی را پیگیری می‌کند و از نظر حقوقی ماهیتی اجتماعی دارد. حق به شهر تنها مفهومی قانونی از حق داشتن منافع خاص نیست، بلکه یک حق در یک مفهوم سیاسی-اجتماعی است. این مفهوم همچنین به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق برای رسیدن به عدالت در سیستم قانونی موجود نیست بلکه مطالبه حقی است استوار بر یک برنامه اخلاقی که به دنبال بازشناسی سیستمی بهتر است؛ سیستمی که در آن منافع بالقوه یک زندگی شهری، به‌طور کامل بالفعل می‌شود (Brenner et al., 2012).

همان‌طور که بیان شد، مفهوم حق به شهر با مفهوم عدالت شهری رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. در مورد این موضوع، بسیاری از محققان به ارائه نظریات خود پرداخته‌اند. برخی مفهوم عدالت و حق به شهر را بر اساس مسائل مرتبط با روابط منتج از قدرت، برخی بر اساس مفاهیم مربوط به عقلانیت ارتباطی هابرماس و برخی بر مبنای اصول مرتبط

جدول ۳: نظریه‌پردازان برجسته حوزه عدالت و نکات کلیدی نظریات آنها. مأخذ: نگارندگان.

منابع	نکات کلیدی	ماهیت نظریه	نظریه پرداز
(Miraftab, 2012)	ساختارزدایی فرضیه وحدت حقوق و عدالت/ تأکید بر فرم‌های حقوقی جمعی مبتنی بر گروه‌های اجتماعی خوداتکا و خودانگیخته همچون نظریه حق به شهر/ رد تأثیر حقوق فردی منتج از مکتب لیبرالیسم بر بروز عدالت/ تأکید بر ارتباطات اجتماعی متکی بر یک حس این‌همانی مشترک/ تأکید بر ریشه افراد در قشر، جنسیت و ارتباطات فرهنگی	عدالت اجتماعی	آیریس یانگ ^{۱۰}
(Fianstein, 2014)	درخواست مطالبه برای برابری و انصاف/ تخصیص منابع بر اساس اصل تفاوت	عدالت اجتماعی	جان رالز ^{۱۱}
(Rawls, 1971)			
(Fianstein, 2014)	نفی جنبه ایده‌آلیستی حقوق و عدالت/ حق هدایت برابر/ حفظ حقوق شهروندان کم‌درآمد/ تساوی در تخصیص و بهره‌وری از فضاهای عمومی و خصوصی برای تمامی استفاده‌کنندگان شهری/ لزوم تفهیم عدالت اجتماعی و شهرسازی در ارتباط با یکدیگر	عدالت اجتماعی و عدالت شهری	دیوید هاروی و اندی مریفیلد ^{۱۲}
(Harvey & Potter, 2009)			
(Fianstein, 2014)	تأکید بر سه اصل تنوع، عقلانیت ارتباطی مبتنی بر دموکراسی مشورتی و مشارکتی و انصاف برای بروز عدالت شهری/ تأکید بر توزیع برابر منابع/ برنامه‌ریزی و طراحی به‌عنوان میانجی	عدالت شهری	سوزان فاینشتاین ^{۱۳}
(Mitchel, 2003)	فضاهای باز عمومی به‌عنوان عرصه‌ای برای تحقق عدالت شهری و دموکراسی شهری	حق به شهر و عدالت شهری	دون میشل
(Soja, 1996, 2010)	برابری، عدالت اجتماعی و آزادی در دسترسی به حقوق انسانی و امکانات موجود در فضا در بستری از مفهوم دیالکتیک فضایی-اجتماعی/ تأکید بر سه اصل برابری، دموکراسی و تنوع جهت نیل به عدالت فضایی	عدالت فضایی	ادوارد سوجا ^{۱۴}
(Griffin et al., 2015)	تأکید بر ده اصل انصاف، انتخاب، دسترسی، مالکیت، ارتباط، تنوع، مشارکت، مشمولیت، تعلق، زیبایی و نوآوری خلافاً به‌عنوان اصول بهبودبخش عدالت شهری	عدالت شهری	تونی گریفین ^{۱۵}

یک کد در نظر گرفته می‌شود و با استفاده از این کدها، در جداول مشخص می‌شود که هر شاخصه کیفی، منتج از نظریات کدام متخصص یا نهاد است. برای استخراج این شاخصه‌ها، نظریات متخصصین و نهادهای شهرسازی در دو بخش فرآیندمحور و فرآورده محور مورد بررسی قرار گرفته است. در این بین، نظریات افراد یا نهادهایی نظیر نیک ویتس، هنری سانوف، مارتین برینسکوف، نیروی ویژه طراحی شهری نخست‌وزیر استرالیا، دانلد اپلپارد و نیبل حمدی در حوزه فرآیندمحور طراحی شهری شهروندمدار جای می‌گیرد و مابقی افراد و نهادها جزء حیطه طراحی شهری فرآورده‌محور محسوب می‌شوند. کدهای منظور شده برای متخصصان و نهادهای مذکور عبارت‌اند از: نیک ویتس^{۱۶}، هنری سانوف^{۱۷}، نیبل حمدی^{۱۸}، مارتین برینسکوف^{۱۹}، دانلد اپلپارد^{۲۰}، نیروی ویژه طراحی شهری نخست‌وزیر استرالیا^{۲۱}

• حق به تعلق داشتن، نمادسازی و این‌همانی؛

• حق به تنوع، تغییر و بازتولید شهری؛

• حق به زیبایی و جذابیت محیطی؛

• حق به زیست شهری، حیات و تعامل اجتماعی و گذران

اوقات فراغت؛

• حق به مشارکت، مدیریت، اطلاع یافتن و کنترل دموکراتیک؛

• حق به طبیعت و محیط طبیعی.

حال با توجه به کیفیت‌های مطرح‌شده توسط صاحب‌نظران طراحی شهری و تطبیق آنها با هنجارهای عمومی شهروندمداری، می‌توان شاخصه‌ها و معیارهای کیفی طراحی شهری شهروندمدار را استخراج کرد. این شاخصه‌ها و معیارها در جدول ۴ بیان شده‌اند. برای هر یک از متخصصان

جدول ۴: شاخصه‌ها و معیارهای کیفی مرتبط با شهروندمداری در طراحی شهری، مطرح‌شده توسط صاحب‌نظران. مأخذ: نگارندگان.

شخصه‌ها و معیارهای کیفی مرتبط با هنجارهای شهروندمداری	هنجارهای عمومی شهروندمداری
<p>ارج نهادن به کیفیت و نه کمیت (۱) / خلق تجارب شهری لذت‌بخش، جذاب و سازنده (۴) / کمال در طراحی معماری و شهری (۶) / ارتقای پیچیدگی (۷) / شادی بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری (۷) / انفرادپذیری بصری و فعالیت‌های قابل‌رؤیت (۱۲،۹) / تناسبات بصری (۹) / توجه به ارزش‌های معمارانه محیط (۱۰) / اغنای بصری (۱۳) / پشتیبانی از فعالیت‌های جذاب اجتماعی (۱۰) / استفاده از فرم‌های شهری متباین (۱۱) / خلق محیط سحرانگیز، فانتزی و تخیلی (۱۲) / احس کشف فضایی (۱۲) / تفوق محیطی (۱۳) / محوریت فضاها و پیوستگی لبه‌ها (۱۵) / پل زدن منسجم (۱۵) / کنترل محورها و پرسپکتیوها (۱۵) / ارتباط و حرکت سکانشی بین فضاهای عمومی (۱۵) / حفظ تسلسل حرکت‌ها (۱۵) / پیوستگی فضایی و کالبدی (۱۷،۱۵) / تعیین فضایی (۱۵) / سلسله‌مراتب فضایی (۱۵) / مقیاس مناسب (۱۶) / ایجاد تمایز کالبدی مبتنی بر زمینه محلی (۱۶) / تعمیر و نگهداری دائمی محیط شهری (۱۷) / توجه به منظر خیابان (۱۷) / نظم، انسجام، ادغام، اتصال و وحدت فضایی (۲۰،۱۹،۱۸) / تناوب بصری و عملکردی (۱۹) / هارمونی و هماهنگی (۱۹) / تثبیت تراکم ساختمانی مناسب (۲۰،۱۰) / استفاده مناسب از زمین (۲۰) / قاب کردن چشم‌اندازها و مناظر (۲۰) / تعالی و نوآوری (۲۱) / جذابیت طبقات همکف (۱۸)</p>	<p>حق به زیبایی و جذابیت محیطی</p>
<p>امکان زندگی اجتماعی در کنار زندگی خصوصی (۱۱) / انگه سیستماتیک به تعاملات شهری (۳) / ایجاد ارتباطات و مراودات اجتماعی (۱) / طراحی محیط‌های جمعی (۵) / تشویق گفتمان شهری (۱) / تقویت حیات شهری (۳،۱) / خلق فضاهای شهری عمومی و پیوسته (۱۵) / تأکید بر مکان‌ها بیش از تأکید بر ساختمان‌ها (۷) / حضورپذیری فضایی (۱۸،۸) / طراحی برای پیاده‌ها (۱۴) / بلوک‌های شهری کوتاه (۱۰) / تمرکز و تراکم جمعیتی (۱۰) / تأکید بر پیاده‌روها و پیاده‌مداری (۱۷،۱۴،۱۰) / پشتیبانی از فعالیت‌های جذاب اجتماعی (۱۰) / تأکید بر روحیه اجتماعی خیابان (۱۰) / افزایش حضور پیاده (۱۱) / مزوج نمودن فضاهای درون و بیرون (۱۵) / ایجاد ارتباط بین فضاهای عمومی و خصوصی (۱۵) / ایجاد روابط خلاقانه (۱۶) / فضاهای باز کافی و مورد استفاده (۱۸،۱۷) / ایجاد فضاهای باز جدید و شبکه ریزبافت (۱۸) / ایجاد اماکن اجتماعی و مناسب جهت گردهمایی (۱۸) / امکان استفاده از فضاهای جمعی (۲۲) / قابلیت گفت‌وگو و تعامل چهره به چهره در فضا (۲۲) / تعریف‌شدگی قلمروهای جمعی و فردی (۲۲)</p>	<p>حق به زیست شهری، حیات و تعامل اجتماعی و گذران اوقات فراغت</p>
<p>همه‌شمولی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (۱۶،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۷،۱۸) / ادر بر گرفتن تمامی افراد متأثر و بخش‌های باهمستان‌ها (۱) / برابری و کارایی (۳) / در نظر گرفتن منافع عمومی (۴) / اکثریت‌گرایی (۵) / ادر برگیری گروه‌های مختلف اجتماعی (۵) / توزیع گسترده منافع محیطی (۶) / آزادی حرکت (۷) / دسترسی برای همه (۷) / سهولت استفاده از فضا برای همه (۷) / نظارت و اختیار (۱۸،۸) / ارج نهادن به تصمیم‌گیری شهروندان برای شکل‌گیری مکان‌ها و فعالیت‌ها (۸) / احق استفاده از فضا، عمل و رفتار آزادانه در آن (۸) / قابلیت دست‌کاری در محیط توسط استفاده‌کنندگان (۸) / عدالت و برابری فرصت‌ها برای شهروندان (۸) / انفرادپذیری کالبدی (۱۳،۹) / رنگ تعلق و مشارکت در فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی (۱۳،۹) / طراحی برای پیاده‌ها (۱۴) / سهولت حرکت پیاده و سواره (۲۲) / تقویت حرکت در فضا (۱۰) / آزادی انتخاب و ایجاد انگیزش (۱۱) / دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی (۱۲) / ادر نظر گرفتن حق انتخاب برای مردم (۱۶) / دسترسی شهروندان به یکدیگر و امکانات شهری (۱۶) / در بر گرفتن سلاقی و تجارب شهروندان (۱۶) / آسانی استفاده از دوچرخه (۲۱) / برابری و مساوات (۱۸) / وجود ایستگاه‌های مرتبط با حمل‌ونقل عمومی (۱۸) / تجمع فعالیت‌های خرده‌فروشی (۱۸) / سهم برابر از ثروت‌ها و منابع شهری (۱۸) / تأمین مسکن برای گروه‌های مختلف اجتماعی (۱۸) / شیب اجتماعی ملایم‌تر در شهر (۱۸)</p>	<p>حق به مشمولیت، دسترسی، برابری، آزادی و استفاده از مکان‌های شهری</p>

هنجارهای عمومی شهروندمداری

شاخصه‌ها و معیارهای کیفی مرتبط با هنجارهای شهروندمداری

مقیاس انسانی در فرآیند طرح و تولید محصول (۱۰۴،۷۰،۱۳،۱۵،۱۷،۱۹) / خلق پروژه‌های انسان‌گرا (۳) / خلق تعامل میان انسان و محیط (۴) / فردباوری و قانونمندی (۱) / تأمین آسایش پیاده‌ها (۷) / اسرزدگی و آسایش محیطی (۱۰،۸) / ایجاد سازگاری بین انسان و محیط (۸) / امکان ادامه بقای انسان (۸) / برخورداری از ایمنی (۲۲،۱۸،۸) / پاسخ‌دهی به کارکردهای حیاتی و نیازهای زیستی انسان (۸) / تأکید بر توانایی‌های احساسی، ذهنی و ساختارهای فرهنگی انسان (۸) / کارایی از نظر مصرف انرژی، پاکیزگی و حداقل آلودگی، تنش و اغتشاش (۱۶،۹) / توجه به شرایط احساسی و تجربه حسی استفاده‌کنندگان از فضا (۱۳،۹) / زیست‌پذیری (۱۲) / حفظ حریم خصوصی (۱۲) / در نظر گرفتن تخیلات، تصورات و احساسات (۱۲) / احترام به شهر و شهروند (۱۳) / سهولت جهت‌یابی (۱۵) / احترام به بافت تاریخی (۱۶) / آسایش اقلیمی (۱۸،۱۷) / تثبیت تراکم ساختمانی مناسب (۲۰،۱۰) / کاهش ضایعات (۲۰) / توجه به پایداری، تاب‌آوری و پذیرا بودن (۲۱) / بهداشت و راحتی (۱۸) / کاهش سروصدا (۱۸) / حمایت از نیازهای بیولوژیک و فیزیولوژیک (۱۸) / وجود ایستگاه‌های مرتبط با حمل‌ونقل عمومی (۱۸) / کاهش تراکم ترافیک (۱۸) / کاهش تعارض حرکت پیاده و سواره (۱۸) / نورپردازی برای ایمنی در شهرها (۱۸) / وجود توقفگاه‌های سواره (۱۸) / اسرزدگی اقتصادی (۱۸) / رفاه محیطی و پراکندگی متناسب امکانات و تسهیلات در سطح شهر (۲۲)

حق به آسایش، امنیت، سلامت و محیط انسانی

بنا نهادن ظرفیت محلی و بومی (۱) / لاج نهادن به باهمستان‌های شهری (۲) / مالکیت بومی بر فرآیند طرح (۱) / برنامه‌ریزی برای بستر محلی (۱) / احترام به بستر و زمینه فرهنگی (۱) / احترام به دانش و استعداد بومی (۱) / پاسخگویی به ویژگی‌ها و نیازهای محلی (۶) / تحکیم ارتباط با گذشته (۶) / اخوانی، وضوح و شفافیت مکان‌ها، نهادها، عملکردها و فرصت‌ها (۱۲،۹،۸،۷) / ماندگاری (۲۱،۸،۷) / درس گرفتن از گذشته و احترام به بافت‌های موجود (۸) / معنا، اصالت، هویت و ساختار (۱۸،۱۲،۸) / غنای حسی (۱۸،۱۳،۹) / آگاهی محیطی (۹) / حفاظت تاریخی و مرمت شهری (۱۴) / وجود ساختمان‌های قدیمی (۱۰) / قرائت‌پذیری محیط (۱۱) / به گوش رسیدن آوای گذشته (۱۱) / لحاظ نمودن پیوندهای بومی-منطقه‌ای در قالب طرح‌ها (۱۱) / میراث‌های فرهنگی قرائت‌پذیر و تداوم تاریخی (۱۱) / قابلیت بازخوانی و کشف معانی محیط (۱۱) / هویت مکانی و حس این‌همانی (۱۱) / تعیین مکانی و حس مکان (۱۱) / زمینه‌گرایی محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (۱۶،۱۵،۱۳،۱۱) / حس مسئولیت‌پذیری (۱۲) / افزایش توانایی فهم محیط (۱۲) / امکان شخصی‌سازی (۱۳) / تفوق محیطی (۱۳) / سهولت جهت‌یابی (۱۵) / ایجاد ساختمان‌های گوناگون از منظر قدمت، شرایط و سبک (۱۰) / ایجاد تمایز کالبدی مبتنی بر زمینه محلی (۱۶) / هویت متمایز اقتصادی (۱۶) / احترام به سنت‌های موجود و منابع موجود محلی (۱۶) / مسئولیت‌پذیری مبتنی بر بوم‌شناسی (۱۷) / پیش‌بینی هسته‌ها در طرح (۱۷) / نظم، انسجام، ادغام، اتصال و وحدت فضایی (۲۰،۱۹،۱۸) / تشخیص و خاص بودن (۱۸،۱۳) / شکل دادن به کانون‌ها (۱۹) / نشانه‌گذاری نقاط کلیدی (۲۰) / ایجاد مزیت مکانی (۲۰) / ایجاد فرم واضح در قرارگاه طبیعی (۱۸) / تجلی تاریخ و تبادل فرهنگی (۱۸) / احس مدنیت در مراکز شهری (۱۸) / رابطه میان کهنه و نو (۱۸) / تعمیر و نگهداری دائمی محیط شهری (۱۷)

حق به تعلق داشتن، نمادسازی و این‌همانی

پذیرش برنامه‌های گوناگون (۱) / تناسب، گوناگونی، انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری (۷،۸،۹،۱۳،۱۶،۱۸) / تمرکز بر نگرش‌های گوناگون (۱) / گوناگونی روش‌ها (۱) / توجه به تفاوت‌ها و ارزش‌های ذهنی مردم (۵) / اکثریت‌گرایی (۵) / دربرگیری گروه‌های مختلف اجتماعی (۵،۱۲) / پاسخ‌دهی به رشد سریع تکنولوژی (۴) / بازگذاشتن طرح‌ها برای انطباق با تحولات مداوم آتی (۶) / اختلاط کاربری، تنوع فعالیتی و تنوع استفاده (۷،۹،۱۰،۱۳،۱۸) / قابلیت کنترل تغییرات (۷) / رشد و تغییر تدریجی محیط شهری (۷) / احق تغییر در فضا، اصلاح و واگذاری آن (۸) / چندکارکرد بودن محیط شهری و بالابردن پتانسیل استفاده از آن (۱۳،۹) / زمینه‌سازی برای بروز تغییرات مثبت در محیط (۱۳،۹) / بلوک‌های شهری کوتاه (۱۰) / تنوع اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و فرهنگی (۱۰) / استفاده از فرم‌های شهری متمایز (۱۱) / ارائه گزینه‌های متنوع (۱۱) / امکان تحول سنجیده و کنترل‌شده (۱۳) / ایجاد محلات چندعملکردی (۱۶) / ایجاد ساختمان‌های گوناگون از منظر قدمت، شرایط و سبک (۱۰) / تعمیر و نگهداری دائمی محیط شهری (۱۷) / تجمع فعالیت‌های خرده‌فروشی (۱۸) / مدیریت تغییرات سریع (۱۸)

حق به تنوع، تغییر و بازتولید شهری

استحصال منافع محیطی بر اساس دو بستر طبیعی و مصنوعی (۶) / پشتیبانی از طبیعت، حیات‌وحش و اکوسیستم‌ها (۹) / خوداتکایی در انرژی و منابع (۹) / طراحی ارگانیک (۱۶) / طراحی همراه با طبیعت (۹) / استفاده از نهایت کارایی محیطی (۹) / آسایش اقلیمی (۱۹،۱۸) / بهره‌وری آب و انرژی (۲۰) / کاهش ضایعات (۲۰) / تنوع زیستی در شهر (۲۰) / توجه به پایداری و تاب‌آوری (۲۱) / حفاظت محیط طبیعی و ویژگی‌های برجسته آن (۱۸) / ایجاد فرم واضح در قرارگاه طبیعی (۱۸) / حفاظت از شرایط آب و هوایی (۱۸) / گونه‌های متنوع پوشش گیاهی (۱۸)

حق به طبیعت و محیط طبیعی

طراحی مشارکتی و تعاملی و تولید همکارانه (۱،۲،۳،۴،۵) / اکثر گرایی (۵) / تشویق مشارکت شهروندی (۱،۲) / ترویج دموکراسی مشورتی و مشارکتی (۲) / مشارکت فعالانه تمام گروه‌های جامعه در خلق و مدیریت محیط (۲) / ارزش‌گذاری بر نقش شهروندان (۲) / ارج نهادن به باهمستان‌های شهری (۳) / ادگیر نمودن شهروندان در فرآیند طراحی (۲) / آگاهی شهروندی (۲) / ایجاد جامعه مدنی قوی (۲،۵) / حرکت به سوی اهداف مشترک (۲) / فرآیند طراحی عملکردمحور (۲) / برنامه‌ریزی عملی (۳) / خلق فرصت‌های فردی پرمعنا (۲) / پذیرش محدودیت‌ها (۱) / پذیرش قوانین و حدودمرزها (۱) / استفاده از زبان واضح و ساده (۱) / صداقت، وضوح و شفافیت در فرآیند طراحی (۱) / واقع‌گرایی در عین آرمان‌گرایی (۱) / پیشروی طرح با سرعت مناسب (۱) / لذت بردن از فرآیند طرح (۱) / یادگیری از دیگران (۱) / حفظ شتاب انجام طرح (۱) / استفاده از ابتکار عمل فردی (۱) / اهمیت دادن برابر به فرآیند و محصول (۱) / استفاده از توانمندسازهای حرفه‌ای (۱) / کنترل اشتراکی (۱) / اثبات فرآیند و سندسازی (۱) / اعتماد به صداقت دیگران (۱) / به‌کارگیری مناسب از متخصصان (۱) / استفاده از تسهیل‌کنندگان فرآیند طراحی (۱) / تجسم‌بخشی به فرآیند طراحی (۱) / تأکید بر سیستم‌های خودکفا و خودسازمان یافته (۳) / استفاده از کارگاه‌های آموزشی (۳) / برداشت میدانی (۳) / طراحی شهری میان‌رشته‌ای (۳،۴،۵) / نگرش یکپارچه در فرآیند طراحی شهری (۴) / شهروند همکار و درعین حال آفریننده (۴) / تشویق گفتمان شهری (۱،۱۲) / فردباوری و قانونمندی (۶) / ارتباط طرح‌ها با شرایط معاصر (۱) / نظارت اجتماعی (۱۰،۸) / قابلیت کنترل و تغییرات (۷) / قابلیت دست‌کاری در محیط توسط استفاده‌کنندگان (۸) / برگشت‌پذیری دستبرد به محیط (۸) / ارج نهادن به تصمیم‌گیری شهروندان برای شکل‌گیری مکان‌ها و فعالیت‌ها (۸) / احق تغییر در فضا، اصلاح و واگذاری آن (۹) / احق استفاده از فضا، عمل و رفتار آزادانه در آن (۸) / کارایی در هزینه‌ی تحقق طرح (۸) / رنگ تعلق و مشارکت در فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی (۱۳،۹) / افزایش گزینه‌های قابل عرضه به مردم (۱۳،۹) / ایجاد محیط دموکراتیک (۱۳،۹) / خوداتکایی شهری (۱۲) / مشارکت در مبادله اطلاعات (۱۲) / دربرگرفتن سلاقی و تجارب شهروندان (۱۶) / استفاده از واژگان طراحانه معین (۱۷) / به کار گماشتن ذی‌نفعان (۲۱) / تعالی و نوآوری (۲۱) / انطباق واژگان طراحانه مورد استفاده با محیط مورد مداخله (۱۸) / مدیریت تغییرات سریع (۱۸) / توانمندسازی و اهمیت دادن به مردم (۱۸)

حق به مشارکت، مدیریت، اطلاع یافتن و کنترل دموکراتیک

نگاشته شده توسط مجید شمیرانی و وحیده حجتی (2013) استفاده‌شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله، ابتدا سعی شد تا با کنکاش در حوزه تئوری حق به شهر و مفهوم عدالت شهری، مجموعه‌ای از هنجارهای عمومی شهروندمداری تبیین شود. با توجه به ماهیت نظریات مذکور و انگاره مفهوم شهروندی از نگاه نظریه‌پردازان این حوزه‌ها، هر فرد به‌واسطه حضور در شهر و ایفای نقشی فعال در آن، مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی را کسب می‌کند. با توجه به مطالعات انجام‌شده در ادبیات تحقیق، این نتیجه حاصل شد که مجموعه حقوقی همچون حق به استفاده از مکان‌های شهری، آزادی، دموکراسی، مشارکت و ... می‌توانند به‌صورت هنجارهایی عمومی تعریف شوند که امر شهروندمداری در شهر را مرتفع سازند. درنهایت به‌واسطه تطبیق هنجارهای عمومی شهروندمداری با شاخصه‌های کیفی طراحی شهری مطرح‌شده توسط صاحب‌نظران این حوزه، کوشش شد تا چارچوب نظری جامعی از شاخصه‌های کیفی طراحی شهری شهروندمدار تبیین

(۶)، فرانسویس تیبالدز^{۲۲} (۷)، کوین لینچ^{۲۳} (۸)، یان بنتلی^{۲۴} (۹)، جین جیکوبز^{۲۵} (۱۰)، فرانسویس ویولینچ^{۲۶} (۱۱)، آلن جیکوبز و دانلد اپلیارد^{۲۷} (۱۲)، بریآن گودی^{۲۸} (۱۳)، جیمز کولمن^{۲۹} (۱۴)، راجر ترانسیک^{۳۰} (۱۵)، گراهام هاتن و کالین هانتز^{۳۱} (۱۶)، آنتون نلسن^{۳۲} (۱۷)، مایکل ساوث ورث^{۳۳} (۱۸)، شروین گرین^{۳۴} (۱۹)، وزارخانه محیط‌زیست نیوزیلند^{۳۵} (۲۰)، کمیته مشورتی برنامه‌ریزی لندن^{۳۷} (۲۲).

برای گردآوری شاخصه‌ها و معیارهای کیفی ذکرشده توسط متخصصان و سازمان‌های مذکور و تطبیق آن با هنجارهای جامع شهروندمداری، از تألیفات ویتس (2006, 2008)، کتاب‌های نبیل حمدی (2004, 2010)، تألیفات هنری سانوف (2007, 2008) کتاب مارتین برینسکوف (2014)، مقاله شخصی دانلد اپلیارد (1979) و همچنین مقاله مشترک وی با آلن جیکوبز (1987)، کتاب فرانسویس تیبالدز (2004)، کتاب کوین لینچ (1376)، کتاب یان بنتلی و همکارانش (۱۳۹۱)، کتاب جین جیکوبز (۱۳۹۶)، کتاب گراهام هاتن و کالین هانتز (2005) کتاب‌های جهان‌شاه پاکزاد (۱۳۹۱، ۱۳۹۰)، راهنمای منتشرشده توسط وزارخانه محیط‌زیست نیوزیلند (2002) و پروتکل طراحی شهری برای شهرهای استرالیایی (1994, 2011) و همچنین مقاله کوروش گلکار (۱۳۸۰) و مقاله

می‌پردازد. بنابراین رویکرد طراحی شهری شهروندمدار، روندی جامع است که به‌گونه‌ای پایدار، به بسیاری از رویکردهای فرآیندمحور و فرآورده‌محور طراحی شهری مرتبط می‌شود. با توجه هر چه بیشتر به چارچوب نظری این مقاله و بهره‌گیری از شاخصه‌های کیفی طراحی شهری شهروندمدار در اقدامات شهری، تا حد زیادی می‌توان فضاهای شهری و فرآیند طراحی شهری را شهروندمدارتر کرده و ارتباطی معنادار میان نظریه و عمل برقرار نمود.

شود. با اعمال این کیفیت‌ها در محیط‌های شهری، زمینه‌ای برای بروز هنجارهای عمومی شهروندمداری و تضمین حقوق شهروندان به شهر، می‌تواند فراهم شود. طراحی شهری شهروندمدار توأمان جنبه‌های فرآیندمحور و فرآورده‌محور طراحی شهری را در برمی‌گیرد. در واقع، این نوع طراحی شهری به‌طور موازی به برخی رویکردهای مشارکتی، دموکراتیک و میان‌رشته‌ای از یک‌سو و جنبه‌های مربوط به تولید و آفرینش فضاهای انسان‌مدارانه از منظر فرم، عملکرد و معنا از سویی دیگر،

پی‌نوشت

- * این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول، با عنوان بازآفرینی فضای شهری با رویکرد طراحی شهری شهروندمدار (نمونه موردی: میدان توپخانه تهران)، با راهنمایی دکتر مجید زارعی، در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین است.
۱. Henri Lefebvre
۲. David Harvey
۳. Don Mitchell
۴. Alison Brown
۵. Annali Kristiansen
۶. Marc Purcell
۷. Right to appropriation
۸. Right to Participation
۹. Inhabitation
۱۰. Iris Young
۱۱. John Rawls
۱۲. Andy Merrifield
۱۳. Susan Fianstein
۱۴. Edward Soja
۱۵. Toni Griffin
۱۶. Henry Sanoff
۱۷. Nabeel Hamdi
۱۸. Martin Brynskov
۱۹. Donald Appleyard
۲۰. PMUDF
۲۱. Francis Tibbalds
۲۲. Kevin Lynch
۲۳. Ian Bentley
۲۴. Jane Jacobs
۲۵. Francis Violich
۲۶. Allen Jacobs & Donald Appleyard
۲۷. Brian Goodey
۲۸. James Coleman
۲۹. Roger Trancik
۳۰. Graham Haughton and Colin Hunter
۳۱. Anton Nelessen
۳۲. Michael Southworth
۳۳. Sherwin Greene
۳۴. Ministry for the Environment of New zealand
۳۵. UDPAC
۳۶. LPAC

- Houghton, G., & Hunter, C. (2005). *Sustainable cities*. London: J. King-sley Publishers.
- Holston, J., & Appadurai, A. (1996). *Cities and Citizenship*. Public Cul-ture, 8, 187-204. Available from: http://www.arjunappadurai.org/articles/Appadurai_Cities_and_Citizenship.pdf. (accessed March 2019).
- Iwamoto, W. (2008). *Welcome address*. UNESCO 2008: 12-18.
- Jacobs, A. & Appleyard, D. (1987). Toward an urban design manifesto. *Journal of the American Planning Association*, 53: 112-120.
- Kant, I. (1991). *Kant's political writings*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Lefebvre, H. (1996). *Writings on cities*. Translated and Edited by E. Kof-man and E. Lebas. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Lefebvre, H. (2002). *Critique of everyday life; foundations for a sociology of the everyday*. first edition, Translated by John Moore. London: Verso, 2.
- Ministry for the Environment. (2002). *People places spaces; a design guide for urban New Zealand*. New Zealand: Published by Ministry for the Environment.
- Mirafteb, F. (2012). *Planning and citizenship in Rachel Weber and Ran-dall Crane (eds.)*. Oxford Handbook of Urban Planning. Oxford University Press. Chapter 38: 1180-1204.
- Mofidi Shemirani, S.M., & Hodjati, V. (2013). Comparative evaluation of principles of urban design and sustainable development. *Advances in Environmental Biology Journal*, 7 (2): 288-300. Available at: <http://www.aensiweb.com/old/aeb/2013/288-300.pdf>.
- Mitchel, D. (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: Guilford Press.
- Plyushteva, A. (2009). The Right to the City and Struggles over Urban Citizenship: Exploring the Links. *Amsterdam Social Science*, 1(3): 81-97.
- Purcell, M. (2002). Excavating Lefebvre: the right to the city and its urban politics of the inhabitant, *GeoJournal*, 58(2/3): 99-108.
- Purcell, M. (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagin-ing the capitalist world order. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(3): 564-590.
- Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Cambridge: Harvard University Press.
- Sanoff, H. (2007). *Community based design learning: democracy and collective decision making*. In A. Salama and N. Wilkinson (eds). Design studio pedagogy: horizons for the future, Gateshead, UK: The Urban In-ternational Press: 21-38.
- Sanoff, H. (2008). Multiple Views of Participatory Design. Archnet-IJAR, *International Journal of Architectural Research*, 2 (1): 57-69. Available at: www.archnet-ijar.net/index.php/IJAR/article/download/177/241.
- Soja, E.W. (1996). *Thirdspace: journeys to Los Angeles and other re-al-and-imagined places*. Cambridge: Blackwell.
- بنتلی، ای یں؛ الکک، آلن؛ مورین، پال؛ مک گلین، سو و اسمیت، گراهام. (۱۳۹۱). *محیط‌های پاسخده: کتابی راهنما برای طراحان*. ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). *سیراندیشه‌ها در شهرسازی ۲: از کمیت تا کیفیت*. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۱). *سیراندیشه‌ها در شهرسازی ۳: از فضا تا مکان*. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- جیکوبز، جین. (۱۳۹۶). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*. ترجمه: حمیدرضا پارسی، آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۰). *مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری*. دو فصلنامه صفه، ۱۱ (۳۲): ۳۸-۶۵.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). *تئوری شکل خوب شهر*. ترجمه: سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هاروی، دیوید و مری فیلد، اندی (۱۳۹۲). *حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی*. ترجمه: خسرو کلاتتری. تهران: انتشارات مهروستا.
- Appleyard, D. (1976). *Planning the pluralist city: conflicting realities in Ciudad Guayana*. Cambridge: The MIT Press.
- Australia. Department of Infrastructure and Transport (2011). *Creating places for people: an urban design protocol for Australian cities*.
- Brenner, N., Marcuse, P., & Mayer, M. (2012). *Cities for people not for profit: critical urban theory and the right to the city*. London & New York: Taylor & Francis Group.
- Brown, A., & Kristiansen, A. (2009). *Urban Policies and the Right to the City: Rights, Responsibilities, and Citizenship*, UN-HABITAT, Policy Pa-per Series on Management of Social Transformations.
- Brynskov, M. (2014). *Urban interaction design: towards city making*. Germany: Schloss Neuhausen.
- Fainstein, S.S. (2014). The just city. *International Journal of Urban Sciences*, 18 (1): 1-18.
- Griffin, T.L., Cohen. A., & Maddox. D. (2015). *The just city essays: 26 vision for urban equity, inclusion and opportunity*. (Volume 1 of The Just City Essays Series). Independent Publisher. Available from: <https://www.thenatureofcities.com/the-just-city-essays>. (accessed March 2019).
- Hamdi, N. (2004). *Small Change*. London: Earthscan.
- Hamdi, N. (2010). *The Placemaker's Guide to Building Community*. London: Routledge.
- Harvey, D. (2003). Debates and developments: the right to the city. *Inter-national Journal of Urban and Regional Research*, 27(4): 939-941
- Harvey, D., & Potter, C. (2009). *The right to the just city*. In P. Marcuse, J. Connolly, J. Novy, I. Olivo, Potter & J. Steil (Eds.), Searching for the just city (pp. 40-51). NewYork, NY: Routledge.

- Soja, E.W. (2010). *Seeking spatial justice*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Tibbalds, F. (2004). *Making people-friendly towns: improving the public environment in towns and cities*. New York: Taylor & Francis Press.
- Wates, N. (2006). *The community planning handbook; how people can shape their cities, towns and villages in any part of the world*. UK: Earthscan.
- Wates, N. (2008). *The community planning event manual; how to use collaborative planning and urban design events to improve your environment*. UK & USA: Earthscan.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حیدری، فردین و زارعی، مجید. (۱۳۹۸). مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری شهروندمدار؛ تطبیق هنجارهای جامع بیانگر شهروندمداری با شاخصه‌های کیفی طراحی شهری. *مجله منظر*، ۱۱ (۴۶): ۱۴-۲۳.

DOI: 10.22034/manzar.2019.84292

URL: http://www.manzar-sj.com/article_84292.html

